



## مقایسه الگوی ارتباطی زوجین و حل مشکل خانواده در بین دانشجویان مرد متأهل حوزوی و دانشگاهی

جواد آل‌حبیب<sup>۱</sup>  
داود معینان<sup>۲</sup>  
مه‌ریار عناصری<sup>۳</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف مقایسه الگوی ارتباطی زوجین و حل مشکل خانواده در بین دانشجویان مرد متأهل حوزوی و دانشگاهی انجام شد. روش پژوهش علی-مقایسه‌ای بود. به منظور دستیابی به اهداف پژوهش کلیه دانشجویان مرد متأهل حوزوی و دانشگاهی شهر قم نمونه‌ای به حجم ۱۲۰ نفر (۶۰ دانشجوی مرد متأهل حوزوی و ۶۰ دانشجوی مرد متأهل دانشگاهی) و با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های الگوی ارتباطی زوجین (کریستنسن و سالووی، ۱۹۸۴) و حل مشکل خانواده (احمدی، ۱۳۸۲) استفاده شد. پایایی پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه شد که مقدار آن برای هر دو پرسشنامه بالای ۰/۷ به دست آمد. همین‌طور از روایی محتوا به منظور آزمون روایی پرسشنامه استفاده شد، که برای این منظور پرسشنامه‌ها به تأیید متخصصین مربوطه رسید. تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از اجرای پرسشنامه‌ها از طریق نرم‌افزار SPSS-V24 در دو بخش توصیفی و استنباطی (آزمون‌های تحلیل واریانس چند متغیره و تک متغیره) انجام پذیرفت. نتایج نشان داد که بین الگوی ارتباطی زوجین و مولفه‌های آن (ارتباط سازنده، ارتباط کناره‌گیری زن، مقیاس زن متوقع/مرد کناره‌گیر و مقیاس ارتباط اجتنابی) در بین دانشجویان مرد متأهل حوزوی و دانشگاهی تفاوت معناداری وجود ندارد. همچنین نتایج نشان داد که بین حل مشکل خانواده در بین دانشجویان مرد متأهل حوزوی و دانشگاهی تفاوت معناداری یافت نشد. در مجموع اینطور می‌توان نتیجه گرفت که زوجینی که در فرآیند فرافکنی خانواده قرار می‌گیرند و به‌طور معمول در زمان بزرگسالی یا حتی قبل از آن، از راهبردهای مختلفی برای فرار از بند پیوندهای عاطفی حل نشده خانواده استفاده می‌کنند. که این راهبردها می‌تواند فاصله گرفتن فیزیکی از خانواده یا ایجاد موانع روانی مانند صحبت نکردن با یکی از اعضای خانواده باشد. زنان که برای بررسی مسائل خود از وجود دیگران استفاده نمی‌کنند انزوا و تنهایی بیشتری را احساس می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: الگوی ارتباطی زوجین، حل مشکل خانواده، دانشجویان مرد متأهل حوزوی

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، واحد آشتیان، دانشگاه آزاد اسلامی، آشتیان، ایران ja.habib313@gmail.com
۲. عضو هیئت علمی، واحد آشتیان، دانشگاه آزاد اسلامی، آشتیان، ایران (نویسنده مسئول) davoodmoeinan8@gmail.com
۳. عضو هیئت علمی، دکتری تخصصی روانشناسی، واحد آشتیان، دانشگاه آزاد اسلامی، آشتیان، ایران dr.m.anasseri@gmail.com

## مقدمه

خانواده مهمترین نهاد اجتماعی در جوامع انسانی است که تکوین و پرورش شخصیت افراد در آن شکل می‌گیرد (اصغری، صادقی، زارع خاکدوست و انتظاری، ۱۳۹۵). برای اینکه خانواده بتواند کارکردهای اصلی خود را به خوبی انجام دهد، لازم است امنیت و آرامش در آن وجود داشته باشد. واقعیت این است که در فرایند چرخه‌ی زندگی خانواده مسایل و مشکلاتی بوجود می‌آید که آرامش آن را هر چند برای مدت کوتاهی سلب می‌کند. این مسایل در سطح خرد مربوط به ساختارها و کارکردهای نهاد خانواده و در سطح کلان مربوط به ساختارهای اجتماعی است. تغییر و تحولاتی که به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جوامع بوجود می‌آید، نهاد خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهند (چان و لیونگ<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰). خانواده در طول تاریخ تحت تأثیر تحولات گوناگون اقتصادی و اجتماعی دگرگون شده است (قاسمی، اعتمادی و احمدی، ۱۳۹۴) این دگرگونیها منجر به بروز تعارض در روابط متقابل اعضای خانواده از حالت خفیف گرفته تا حالت‌های شدید که خشونت خانواده است، شده است. بخشی از این تعارضات در ارتباط با عوامل بیرون از خانواده و بخشی از آنها در ارتباط با عوامل درونی خانواده است. البته میان این دو عامل رابطه متقابل وجود دارد. مطالعات متفکران گوناگون نشان می‌دهد، که تعارضات خانواده در ارتباط با تعارضات جامعه است (ریس و همکاران، ۲۰۱۷). افزایش میزان تضادهای خانواده اثر منفی در سازگاری، اعضای آن دارد (کاستا و موسمان<sup>۲</sup>، ۲۰۲۰) تعارضات بوجود آمده در خانواده مسایل و مشکلاتی را در سطوح فردی، نهادی و اجتماعی بوجود می‌آورد. در سطح فردی اعضای خانواده‌های که در تعارض با یکدیگر قرار می‌گیرند، تعادل روانی خود را از دست می‌دهند و چه بسا رفتارهایی مثل پرخاشگری و افسردگی در آنها دیده شود (بیون و چویی<sup>۳</sup>، ۲۰۲۰) مطالعات پژوهشگران نشان می‌دهند، کودکانی که والدینشان به علت تعارض زیاد طلاق گرفته‌اند، دچار ناسازگاری رفتاری شده و هنگامی که به بزرگسالی می‌رسند، رابطی ضعیفتری با والدین خود برقرار می‌کنند. همچنین، پس از ازدواج احتمال طلاق آنها افزایش می‌یابد (دلاتور و واگنر<sup>۴</sup>، ۲۰۱۹؛ کراپو<sup>۵</sup>، ۲۰۲۰).

یکی از عواملی که منجر به تمایل افراد به اختلاف زناشویی می‌شود، نارضایتی و رضایت کم در روابط آغازین است چنانچه پاسچ و سولیوان<sup>۶</sup> (۲۰۱۷) در پژوهش خود گزارش می‌کنند که همبستگی منفی میان عدم رضایت زناشویی و روابط فرازناشویی وجود دارد. یکی از عواملی که میزان رضایت زناشویی را تعیین می‌کند الگوهای ارتباطی میان زن و شوهر است. ارتباط فرایندی اصلی در روابط زناشویی است. ارتباط زناشویی فرایندی است که طی آن زن و شوهر به صورت کلامی با یکدیگر به تبادل احساسات و افکار می‌پردازند (یازونچاکماک و ییلماز<sup>۷</sup>، ۲۰۲۰). به نظر آشر و پرز<sup>۸</sup> (۲۰۱۷) سه الگوی ارتباطی بین همسران می‌توان یافت که عبارتند از ۱) الگوی سازنده متقابل (برنده- برنده) که همسران مسائل خود را مطرح نموده و از واکنش‌های غیر منطقی اجتناب کنند، ۲) الگوی اجتناب متقابل که در آن همسران به جای

1. Chan & Leung
2. Costa & Mosmann
3. Yeon & Choi,
4. Delatorre & Wagner
5. Crapo
6. Pasch & Sullivan
7. Uzunçakmak & Yilmaz
8. Ussher & Perz

گفت و گوی منطقی در یک کشمکش دائمی به سر می‌برند و ۳) الگوی توقع/کناره‌گیری که در آن همسر متوقع، وابسته است و همسر کناره‌گیر از وابستگی اجتناب می‌کند. یک الگوی ارتباطی مناسب به این معناست که افراد بتوانند مفاهیم مورد نظر خود را به درستی به طرف مقابل منتقل کنند و تبادل کلامی و غیر کلامی داشته باشند و در نتیجه با باز خورد دادن و باز خورد گرفتن به درک متقابل دست یابند (جانینگ، گائو و اسنایدر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸). زوج‌هایی که نمی‌توانند عدم توافق را به توافق تبدیل کنند اغلب گرفتار چرخه ای از الگوهای ارتباطی ناسالم می‌شوند. هنگامی که این الگوهای ناسالم به میزان زیادی در زندگی زناشویی بروز می‌کند و زوجین نتوانند به نحو موثری با آن کنار بیایند، پیامدهای منفی فراوانی برای سلامت روانی و جسمی زن و شوهر و فرزندان آنها به بار خواهد آورد که جنبه‌های منفی زندگی زناشویی را تحت الشعاع خود قرار خواهد داد (مام صالحی، مرادی، عارفی و یاراحمدی، ۱۳۹۸). بنابراین احتمالاً الگوهای ارتباطی سالم بتوانند ارتباط موثری را بین زوجین ایجاد نموده و به دنبال آن رضایت زناشویی آنها را افزایش دهد. آلن و اسکینر<sup>۲</sup> (۲۰۰۵) اظهار کردند که عوامل بیرونی مثل فرهنگ، محیط کاری و گروه حمایت‌کننده نیز از عوامل تاثیرگذار در افراد برای سوق دهی به سمت روابط فرازناشویی است. در نظریه یادگیری اجتماعی که توسط آلبرت باندورا ارائه شد، اعتقاد بر این است که آموزش مستقیم تنها وسیله برای یادگیری نیست. نظریه او به عنصر اجتماعی را نیز در نظر می‌گیرد و می‌گوید که مردم می‌توانند اطلاعات و رفتارهای جدید را از طریق مشاهده رفتار دیگران یاد بگیرند. این نوع یادگیری را که به یادگیری (مدل‌سازی) مشاهده ای معروف است می‌توان برای توضیح انواع گسترده ای از رفتارها به کار برد (هاسون و اولسون<sup>۳</sup>، ۲۰۱۸). صاحب‌نظران یادگیری اجتماعی بر این باورند که کج رفتاری و هم‌نوایی طی فرایندهای مشابه، یاد گرفته می‌شود و کج رفتاری نتیجه یادگیری هنجارها و ارزش‌های انحرافی به ویژه در چهارچوب خرده فرهنگ‌ها و گروه‌های همسالان است. بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی، رفتار انحرافی آموختنی است و در فرایند رابطه با افراد دیگر، به خصوص در گروه‌های کوچک آموخته می‌شود (میکاییلی، رحیمی و صداقت، ۱۳۹۷). زمانی که افراد می‌فهمند که شبکه‌های اجتماعی شان روابط فرازناشویی را تایید می‌کنند یا در آن درگیر هستند، آنها خود نیز به احتمال بیشتری درگیر خیانت می‌شوند (پنگ و وو<sup>۴</sup>، ۲۰۱۹).

همچنین وجود مشکلات بالقوه زوجین می‌تواند اثر نامطلوبی بر کل زندگی خانواده داشته باشد. با این حال با پیشرفت دنیای امروزی و زندگی ماشینی و کاهش ارتباط بین فردی میزان بروز افسردگی و شیوع آن رو به افزایش است (چنگ، چیر و چائو<sup>۵</sup>، ۲۰۱۸). براساس گزارش جامعه‌شناسان و روان‌شناسان، در سال‌های اخیر احساس امنیت، آرامش صمیمانه زن و مرد رو به سستی گراییده و خانواده به طور فزاینده ای با نیروی ویرانگر روبرو می‌شود (شکوهی یکتا، اکبری زردخانه و محمودی، ۱۳۹۴). اگر مسایل و مشکلات ناشی از تعارضات خانواده در یک جامعه، شدت یابند، استحکام خانواده را به خطر می‌اندازد و این امر تهدیدی برای استحکام جامعه و نظام اجتماعی بشمار می‌رود (متین و حیاتی، ۱۳۹۶) برخی از صاحب نظران جامعه‌شناسی خانواده به پیروی از نظریه پردازان کلاسیک مکتب تضاد بر اجتناب ناپذیر

1. Janning, Gao & Snyder
2. Allen & Skinner
3. Hanson & Olson
4. Peng & Wu
5. Cheng, Chair & Chau

بودن تعارضات خانواده تأکید می‌کنند (فیشر<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰؛ برناردینو و پایاس<sup>۲</sup>، ۲۰۱۸؛ هولث<sup>۳</sup>، ۲۰۱۷) برخی مطالعات انجام شده در کشورهای مثل آمریکا و کانادا نشان می‌دهند که فراوانی و شدت تعارضات خانواده نسبت به سایر نهادهای اجتماعی بیشتر است. هم جوانان و هم بزرگسالان تعارضات خانوادگی خود را در مقایسه با تعارضات خودشان با دوستان و همکاران بیشتر و ناگوار، گزارش کرده‌اند (تائو و ژانگ<sup>۴</sup>، ۲۰۱۹) پیامد تعارضات خانواده محدود به اعضای خانواده نشده و سایر نهادهای اجتماعی و حتی اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از آنجا که فرزندان خانواده‌های از هم گسیخته که پیش از جدایی کامل تعارضات گوناگون داشته‌اند، احتمال کمی دارد که تحصیلات خود را به اتمام رسانده و وارد دانشگاه شوند و از آنجا که تحصیلات عامل کلیدی و تعیین‌کننده در موفقیت اقتصادی با توجه به اهمیت این مساله در درازمدت این امر باعث نابسامانی اجتماعی می‌شود روند رو به افزایش این پدیده و همچنین نقش آسیب‌زایی آن ضرورت انجام مطالعاتی در مناطق گوناگون کشور احساس می‌شود (اکبری، ۲۰۱۷).

در نهایت باید گفت که خانواده و ازدواج سالم با حفظ ارتباط (یا گفتگوی) روشن و مؤثر، الگوهای تعاملی متقابل سودمند، مرزهای روشن بین نسل‌ها و زیر منظومه‌ها و توقعات متأثر از انتظارات درونی اعضا و انتظارات بیرونی محیط و بالآخره رفاه و عملکرد تک تک اعضای خانواده ارتقا پیدا می‌کند. یک خانواده عادی یعنی زوجی که در رابطه با هم، در تربیت بچه‌ها، در رابطه با خویشاوندان و در مقابله با دنیای خارج مشکلات بسیاری دارند اما مانند تمام خانواده‌های سالم دائم با این مشکلات دست و پنجه نرم می‌کنند و تبادل نظر می‌کنند تا زندگی مشترک ممکن گردد. فرایند خانواده مربوط به تعامل‌ها و مراودات و الگوهای تبادل رفتاری اعضا و مبادلات رفتاری و هیجانی آنها در موارد تعارض، ارتباط یا حل مشکلات است. الگوی روابط مربوط به تسلسل تعامل اعضای خانواده است. تعامل‌هایی که به نتایج مثبت یا منفی منجر می‌شود. عواطف خانوادگی نیز مربوط به آهنگ و حجم تعامل عاطفی و نحوه تجربه یا تعبیر گفتگوهاست. تلاش‌های صورت گرفته برای شناخت پیچیدگی و ظرایف روابط خانواده و فرایندهای آن توجه متخصصان را به اهمیت و ضرورت آموزش و یادگیری مهارت‌های پیش‌نیاز برای ورود به زندگی مشترک و تشکیل مهم‌ترین کانون اجتماعی جلب نموده است. با توجه به آنچه گفته شد، هدف اصلی تحقیق حاضر مقایسه الگوهای ارتباطی زوجین و مهارت مشکل‌خانواده در بین دانشجویان مرد متأهل حوزوی و دانشگاهی می‌باشد.

### روش‌شناسی

پژوهش حاضر توصیفی از نوع علی-مقایسه‌ای بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانشجویان مرد متأهل حوزوی و دانشگاهی شهر قم در سال ۱۳۹۹ تشکیل دادند. روش نمونه‌گیری در این پژوهش به صورت تصادفی ساده می‌باشد. نمونه‌های تحقیق مورد نظر در دو گروه ۶۰ نفری (۶۰ دانشجوی مرد متأهل حوزوی و ۶۰ دانشجوی مرد متأهل دانشگاهی) از جامعه تحقیق انتخاب و گزینش شدند. ملاحظات اخلاقی پژوهش از جمله: جلب رضایت کامل آزمودنی‌ها قبل از اجرای آزمون، محرمانه باقی ماندن اطلاعات آزمودنی‌ها و آگاهی دانشجویان تا حد لزوم از چرایی اجرای آزمون و اهمیت و ضرورت آن نیز در این پژوهش رعایت شد.

1. Fisher
2. Bernardino & Paias
3. Holth
4. Tao & Zhang

## ابزارهای پژوهش

الف) پرسشنامه الگوهای ارتباطی زوجین: این پرسشنامه را کریستنسن و سالووی (۱۹۸۴) در دانشگاه کالیفرنیا را به منظور بررسی الگوهای ارتباطی متقابل زوجین طراحی نمودند. این پرسشنامه ۳۵ سوال دارد و در یک مقیاس نه درجه ای از اصلا امکان ندارد (۱) تا خیلی امکان دارد (۹) درجه بندی شده است. این پرسشنامه رفتارهای همسران را در طول سه مرحله از تعارض زناشویی شرح داده است. این مراحل عبارتند از: (۱) زمانی که در روابط زوجین مشکل ایجاد می‌شود این مرحله دارای ۴ سوال است که پاسخ هر یک در مقیاس ۹ نقطه ای درجه بندی شده است. (۲) در مدت زمانی که درباره مشکل ارتباطی بحث می‌شود، این مرحله دارای ۱۸ سوال است. (۳) بعد از بحث راجع به مشکل ارتباطی که این قسمت از ۱۳ سوال تشکیل شده است. پرسش نامه دارای سه خرده مقیاس است مقیاس ارتباط سازنده متقابل، مقیاس اجتنابی متقابل، مقیاس ارتباط توقع/کناره‌گیری. خرده مقیاس توقع/کناره‌گیری. از دو قسمت تشکیل شده است: مرد متوقع/کناره‌گیر زن و زن متوقع /کناره‌گیر مرد. هیوی و همکاران (۱۹۹۶) میزان ثبات درونی برای زیر مقیاس ارتباط سازنده متقابل را بدست آوردند. آلفای کرونباخ برای مردان و زنان در این زیر مقیاس ۰/۸۴ و ۰/۸۱ محاسبه شد. خجسته مهر، عطاری و شیرالی‌نیا (۱۳۸۷) پایایی پرسشنامه را در شهر اهواز بررسی کردند و آلفای کرونباخ پرسش‌نامه ۰/۶۰ تا ۰/۷۳ محاسبه شد. این پرسش‌نامه در سال ۱۹۸۴ توسط کریستنسن با سالووی در دانشگاه کالیفرنیا ساخته شد و توسط عبادت پور (۱۳۷۹) در ایران ترجمه و هنجاریابی شده است. این پرسش‌نامه شامل ۳۵ عبارت است که دارای طیف لیکرت ۹ درجه ای است. همچنین پرسش‌نامه سه الگوی مختلف ارتباطی را می‌سنجد: الگوی سازنده متقابل، الگوی اجتناب متقابل، الگوی توقع /کناره‌گیری. هیوی، لارسن، زامبوتل و کریستنسن روایی ملاکی و روایی سازه را برای زیر مقیاس الگوی ارتباط سازنده متقابل محاسبه نمودند و نتایج حاصل نشان‌دهنده همبستگی ۰/۷۲ بود. همچنین آن‌ها به منظور برآورد روایی سازه این مقیاس همبستگی نمرات را با مقیاس سازگاری زناشویی محاسبه نمودند که ضرایب همبستگی بدست آمده برای مردان و زنان به ترتیب ۰/۵۴ و ۰/۶۱ بود. عبادت پور (۱۳۷۹) به منظور برآورده روایی پرسش‌نامه، همبستگی بین مقیاس‌های پرسش‌نامه و پرسش‌نامه رضایت زناشویی را محاسبه کرده است. ضرایب همبستگی به‌دست‌آمده برای سه زیر مقیاس ارتباط سازنده متقابل، ارتباط اجتناب متقابل و ارتباط توقع /کناره‌گیری به ترتیب عبارتند از ۰/۵۸، ۰/۵۸- و ۰/۳۵. در پژوهش حاضر برای بررسی ضریب پایایی این مقیاس و خرده مقیاس‌های آن از روش آلفای کرونباخ استفاده شد، ضرایب به دست آمده در دامنه بین ۰/۸۱ تا ۰/۹۰ است.

ب) پرسشنامه حل مشکل خانواده: این مقیاس توسط احمدی (۱۳۸۲) و با الهام از پرسشنامه‌های فورگاچ (۲۰۰۱)؛ دیارمی و توماس، ۲۰۰۴، چمیون و پاور، ۲۰۰۰، دی زوربلا، ۱۹۹۹، برگر و هنا، ۱۹۹۹؛ به نقل از احمدی، ۱۳۸۲) برای سنجش میزان مهارت‌های حل مشکل در جامعه ایران ساخته شده است. مواد این مقیاس در زمینه مواجهه با مشکلات فعلی، میزان شناخت فرایند و گام‌های حل مشکل و چگونگی به کارگیری روش‌های حل مشکل در بین زوجین است و دارای ۳۰ ماده می‌باشد که بر اساس مقیاس ۵ سطحی لیکرت پاسخ داده می‌شود و شامل این سطوح است: هیچ وقت = ۱، بندرت = ۲، بعضی مواقع = ۳، خیلی مواقع = ۴، همیشه = ۵. برای نمره گذاری، برخی از عبارات مقیاس به صورت معکوس نمره گذاری می‌شوند. این مقیاس دارای دو خرده مقیاس حل مشکل و بهبود رابطه است. خرده مقیاس حل مشکل دارای ۱۷ ماده می‌باشد. این عامل شیوه و فرایند حل مشکل را بر اساس مدل ۵ مرحله ای حل مشکل اندازه گیری می‌کند، و خرده مقیاس بهبود رابطه دارای ۱۳ ماده می‌باشد. این عامل شیوه ارتباط و تعامل زوجینی

را که لازمه حل مشکل موثر است نشان می‌دهد. در مجموع نمره بالا در این مقیاس نشان دهنده مهارت و توانایی زوجین در حل موثر مشکل و نمره کم در مقیاس نشانگر فقدان و ضعف توانایی و مهارت زوجین در حل مشکل خانوادگی است. بررسی همبستگی درونی نمرات کل مقیاس و مقیاس‌های فرعی نشان داد که میزان همبستگی بین کل مقیاس با عامل رابطه و حل مشکل به طور یکسان  $0/95$  و همبستگی بین عامل رابطه با عامل حل مشکل به میزان  $0/81$  می‌باشد. تمامی ضرایب در سطح  $p < 0/001$  معنی دار هستند. جکمن کرام، دابسون و مارتین (به نقل از احمدی، فتحی آشتیانی و اعتمادی، ۱۳۸۶) برای سنجش پایایی مقیاس از ضرایب آلفای کرونباخ استفاده کردند. این ضریب برای کل مقیاس  $0/91$ ، عامل ارتباط  $0/78$  و عامل حل مشکل  $0/83$  بود. ضریب تمیز مقیاس با استفاده از آزمون رضایت زناشویی (مقیاس رضایت زناشویی انریچ)، برای کل مقیاس  $0/91$  و برای عوامل رابطه و حل مشکل به ترتیب  $0/78$  و  $0/83$  بود. در پژوهش حاضر برای بررسی ضریب پایایی این مقیاس و خرده مقیاس‌های آن از روش آلفای کرونباخ استفاده شد، ضرایب به دست آمده در دامنه بین  $0/86$  تا  $0/92$  است.

تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از اجرای پرسشنامه‌ها از طریق نرم‌افزار Spss-V23 انجام شد. همچنین به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش از آزمون‌های تحلیل واریانس چند متغیره و تک متغیره استفاده شد.

### یافته‌ها

در این قسمت به توصیف متغیرهای پژوهش (میانگین و انحراف استاندارد) پرداخته شد.

#### جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد مولفه‌های مورد بررسی الگوهای ارتباط زوجین

انحراف استاندارد	میانگین		
۹/۴۳	۱۳/۱۶	دانشجویان متاهل	الگوهای ارتباط سازنده زوجین
۱۰/۵۴	۱۰/۳۳	دانشجویان حوزی	
۸/۰۹	۲۵/۸۶	دانشجویان متاهل	ارتباط کناره گیر/توقع
۸/۶۱	۱۹/۲۶	دانشجویان حوزی	
۳/۸۴	۱۳/۵۰	دانشجویان متاهل	مرد متوقع/کناره گیری زن
۵/۲۹	۱۱/۷۳	دانشجویان حوزی	
۴/۴۶	۱۲/۴۰	دانشجویان متاهل	مقیاس زن متوقع/مرد کناره گیر
۴/۹۳	۱۰/۴۰	دانشجویان حوزی	
۵/۵۲	۱۱/۲۶	دانشجویان متاهل	مقیاس ارتباطی اجتنابی متقابل
۳/۹۹	۱۱/۷۳	دانشجویان حوزی	
۲۶/۹۰	۱۳۰/۴۰	دانشجویان متاهل	نمره کل ارتباط
۳۵/۹۵	۱۳۷/۶۶	دانشجویان حوزی	
۱۹/۲۴	۱۰۸/۵۶	دانشجویان متاهل	حل مشکل خانواده
۱۴/۳۳	۱۰۴/۱۰	دانشجویان حوزی	

با توجه به نتایج جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای فوق را نشان می‌دهد،

بیشترین میانگین مربوط به متغیر کل ارتباط زوجین (نمره کل) ۱۳۷/۶۶ (۳۵/۹۵) در بین دانشجویان حوزوی و کمترین میانگین مربوط به متغیر مقیاس زن متوقع/مرد کناره گیر ۱۰/۴۰ (۴/۹۳) می باشد. همچنین نتایج نشان داد بیشترین میانگین مربوط به متغیر حل مشکل خانواده (نمره کل) ۱۰۸/۵۶ (۱۹/۲۴) در گروه دانشجویان متأهل و کمترین میانگین مربوط به متغیر حل مشکل خانواده در گروه دانشجویان متأهل ۱۰۴/۱۰ (۱۴/۳۳) می باشد.

جدول ۲. نتایج تحلیل واریانس مبنی بر تساوی واریانس ها

SIG	DF <sub>۲</sub>	DF <sub>۱</sub>	F	
۰/۶۰۸	۵۸	۱	۰/۲۶۸	الگوهای ارتباط سازنده زوجین
۰/۷۲۷	۵۸	۱	۰/۱۲۴	ارتباط کناره گیر/توقع
۰/۲۵۵	۵۸	۱	۱/۳۲	مرد متوقع/کناره گیری زن
۰/۹۰۷	۵۸	۱	۰/۰۱۴	مقیاس زن متوقع/مرد کناره گیر
۰/۰۵۱	۵۸	۱	۳/۹۷	مقیاس ارتباطی اجتنابی متقابل

با توجه به نتایج جدول ۲ آزمون لوین در متغیر الگوهای ارتباط سازنده زوجین ( $F=۰/۲۶۸$ ،  $SIG=۰/۶۰۸$ ) و ارتباط کناره گیر ( $F=۰/۱۲۴$ ،  $SIG=۰/۷۲۷$ ) و مرد متوقع ( $F=۱/۳۲$ ،  $SIG=۰/۲۵۵$ )، زن متوقع ( $F=۰/۰۱۴$ ،  $SIG=۰/۹۰۷$ ) و مقیاس ارتباطی اجتنابی ( $F=۳/۹۷$ ،  $SIG=۰/۰۵۱$ ) معنادار نمی باشد.

جدول ۳. نتایج تحلیل واریانس چند متغیره در متن مانوا بر روی نمرات مولفه های الگوهای ارتباطی

معناداری	F ضرب	میانگین مجزورات	درجه آزادی	مجموع مجزورات	متغیرهای تحقیق	شاخص های آماری منبع
۰/۲۷۷	۱/۲۰	۱۲۰/۴۱۷	۱	۱۲۰/۴۱۷	گروه	الگوهای ارتباط سازنده زوجین
		۱۰۰/۰۸	۵۸	۵۸۰۴/۸۳	خطا	
۰/۰۰۳	۹/۳۵	۶۵۳/۴۰	۱	۶۵۳/۴۰	گروه	ارتباط کناره گیر/توقع
		۶۹/۸۸	۵۸	۴۰۵۳/۳۳	خطا	
۰/۱۴۵	۲/۱۸	۴۶/۸۱	۱	۴۶/۸۱	گروه	مرد متوقع/کناره گیری زن
		۲۱/۴۳	۵۸	۱۲۴۳/۳۶	خطا	
۰/۱۰۵	۲/۷۰	۶۰	۱	۶۰	گروه	مقیاس زن متوقع/مرد کناره گیر
		۲۲/۱۷	۵۸	۱۲۸۶/۴۰	خطا	
۰/۷۰۹	۰/۱۴۰	۳/۲۶	۱	۳/۲۶	گروه	مقیاس ارتباطی اجتنابی متقابل
		۲۳/۲۷	۵۸	۱۳۴۹	خطا	

یافته های جدول ۳ نشان می دهد که دو گروه از لحاظ نمرات متغیر الگوهای ارتباط سازنده زوجین ( $F=۱/۲۰$ ،  $SIG=۰/۲۷۷$ ) و مرد متوقع ( $F=۲/۱۸$ ،  $SIG=۰/۱۴۵$ )، زن متوقع ( $F=۲/۷۰$ )



ارتباط کناره گیر ( $F=9/35$ ,  $SIG=0/003$ ) در سطح  $p<0/01$  معنادار است. و مقیاس ارتباطی اجتنابی ( $F=0/140$ ,  $SIG=0/709$ ) معنادار نمی باشد اما در متغیر

#### جدول ۴. نتایج تحلیل واریانس مبنی بر تساوی واریانس‌ها

SIG	DF <sub>۲</sub>	DF <sub>۱</sub>	F	
0/448	58	1	0/583	حل مشکل

با توجه به نتایج جدول ۴ آزمون لوین در متغیر حل مشکل ( $F=0/583$ ,  $SIG=0/448$ ) معنادار نمی باشد.

#### جدول ۵. نتایج تحلیل واریانس چند متغیره در متن مانوا بر روی نمرات حل مشکل

مغایرهای آماری		متغیرهای تحقیق		مجموع مجزورات		درجه آزادی		میانگین مجزورات		ضریب F		معناداری	
گروه		خطا		۲۹۹/۲۶		۱		۲۹۹/۲۶		۱/۰۴		0/312	
حل مشکل		خطا		۱۶۶۹۲/۰۶		۵۸		۲۸۶/۷۹					

یافته‌های جدول ۵ نشان می‌دهد که دو گروه از لحاظ نمرات متغیر حل مشکل ( $F=1/04$ ;  $SIG=0/312$ ) در سطح  $P>0/01$  معنادار نمی باشد به عبارت دیگر بین دو گروه تفاوت معنادار نیست. از این رو این فرضیه رد شده است.

#### بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف مقایسه الگوی ارتباطی زوجین و حل مشکل خانواده در بین دانشجویان مرد متأهل حوزوی و دانشگاهی انجام شد. نتایج نشان داد بین مولفه‌های الگوهای ارتباطی زوجین در بین دانشجویان مرد متأهل حوزوی و دانشگاهی تفاوت معنادار وجود ندارد. نتایج بدست آمده با یافته‌های جانینگ و همکاران (۲۰۱۸)، هاسون و اولسون (۲۰۱۸)، پنگ و وو (۲۰۱۹)، آشر و پرز (۲۰۱۷)، میکاییلی و همکاران (۱۳۹۷) همسو می‌باشد. در تبیین این نتیجه می‌توان به این اشاره کرد که برخی از زوجینی که تمایل دارند تا خودشان را از دیگران و از عواطف جدا کنند، آن‌ها اهمیت خانواده را انکار می‌کنند و یک نمای افراطی از استقلال را نشان می‌دهند. از سوی دیگر همچنین، خانواده‌هایی که در سطوح پایین صمیمیت قرار می‌گیرند، به طور معمول در موقعیت‌های استرس زا، فشار روانی خویش را به یکدیگر که از بقیه تمایز نیافته تر است منتقل می‌کنند. در مجموع اینطور می‌توان نتیجه گرفت که زوجینی که در فرآیند فرافکنی خانواده قرار می‌گیرند و به طور معمول در زمان بزرگسالی یا حتی قبل از آن، از راهبردهای مختلفی برای فرار از بند پیوندهای عاطفی حل نشده خانواده استفاده می‌کنند. که این راهبردها می‌تواند فاصله گرفتن فیزیکی از خانواده یا ایجاد موانع روانی مانند صحبت نکردن با یکی از اعضای خانواده باشد. زنان که برای بررسی مسائل خود از وجود دیگران استفاده

نمی‌کنند انزوا و تنهایی بیشتری را احساس می‌کنند. در مجموع باید گفت که برقراری ارتباط درست، صمیمیت عاطفی و هیجانی زوجین را افزایش می‌دهد. اگر زوجی بتواند با روش‌های صحیح ارتباط برقرار کند نه تنها ارتباط مؤثری با هم خواهند داشت بلکه صمیمیت بین آنها نیز افزایش می‌یابد. از طرفی صمیمیت و همراهی عاطفی زن و شوهر، حساسیت آنها را نسبت به هم بالا برده در نتیجه باعث می‌شود آمیزش عاطفی آنها نیز بالا رود و حس تنهایی در آنها کمتر شود. روابط بین زن و شوهر دارای جنبه‌های عاطفی، روانی و جنسی بوده و در کلیه این زمینه‌ها آگاهی و اطلاع زوجها از نقش خود در ایجاد یک رابطه صحیح و ثمربخش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این مساله که مرد یا زن بداند در قبال همسر خود چه وظایفی دارد و از عهده اجرای آن‌ها به خوبی برآید، می‌تواند موجبات تحکیم پیوندهای خانوادگی را فراهم آورد و سبب تقویت خانواده به عنوان سنگ بنای اجتماع گردد. فقدان پذیرش خود و دیگران لازم و اساسی در مواجهه با مسائل و مشکلات زندگی روزمره است. مشکلاتی مانند افسردگی، اضطراب، تنهایی، طرد شدگی، کمرویی و تعارض در روابط بین فردی از جمله مسائلی هستند که زنانی را که فاقد خودکارآمدی هستند، در این زمینه آسیب پذیر می‌سازد و به نوعی این قبیل مشکلات ریشه بسیاری از آسیب‌های خانوادگی و اجتماعی را تشکیل می‌دهند. در روابط زناشویی هم، زمانی که زوجین با مسئله‌ای مواجه می‌شوند اگر نتوانند به نحو مؤثر در مورد پیدا کردن راه حل از طریق گفتگو و بازبینی مؤثر با یکدیگر به توافق برسند و به دلیل عدم توانایی در حل تعارض و مسئله، خود آن را نادیده بگیرند و بر آن سرپوش بگذارند، این اجتناب و کناره‌گیری دو جانبه می‌تواند با افزایش دلزدگی زناشویی در آنها همراه باشد. بنابراین پذیرش خود در بهبود و سلامت روان شناختی زوجین مؤثر است. این توانایی‌ها فرد را برای مقابله مؤثر با موقعیت‌ها یاری می‌کند و شخص را قادر می‌سازد در رابطه با سایر زوجین، جامعه، فرهنگ و محیط خود به گونه مثبت و سازگارانه عمل کند.

همچنین نتایج نشان داد بین مولفه‌های حل مشکل خانواده در بین دانشجویان مرد متأهل حوزوی و دانشگاهی تفاوت معنادار وجود ندارد. نتیجه بدست آمده با یافته‌های چنگ و همکاران (۲۰۱۸)، شکوهی یکتا و همکاران (۱۳۹۴)، متین و حیاتی (۱۳۹۶)، هولت (۲۰۱۷)، برناردینو و پایاس (۲۰۱۸) همسو می‌باشد. در تبیین این نتیجه می‌توان به این اشاره کرد که در خانواده‌هایی که از ثبات برخوردارند، روابط نزدیک زوجین با یکدیگر وجود دارد و زوجین با فرصت‌های بیشماری که برای یکدیگر خود فراهم می‌کنند، زمینه لازم را برای زندگی موفقیت آمیز آنان تدارک می‌بینند و می‌توانند واکنش‌های عاطفی مناسب را در آنان شکل دهند. در این حال دانش درباره این که چطور انسان‌ها با یکدیگر برخورد می‌کنند، نشان دهنده عمده ترین مشاهدات جمعی آنان درباره تعامل‌ها و رویارویی والدینشان با سایرین و اعضای خانواده خود می‌باشد. بنابراین باید گفت که روابط زوجین در تثبیت و حفظ عواطف از اهمیت زیادی برخوردار است، زیرا این رابطه زمینه اصلی برای اجتماعی شدن کودکان محسوب می‌شود. پس الگوی شخصیتی خانواده چارچوب قابل توجهی را برای بررسی تعامل‌ها، عواطف و روابط در خانواده فراهم می‌کند. از آنجا که در روابط صمیمی دو جنس مخالف همچون زن و شوهر، خصیصه‌های روان‌شناختی وابسته به جنسیت زنانه و یا مردانه اهمیت بسیار دارد. گزارش بسیاری از محققان نشان می‌دهد که زنان به علت علاقه به نگهداری رابطه، یا خصوصیات که دارند و

یا جنس آن‌ها ایجاب می‌کند، در زمان پیش از طلاق حالت پر استرس‌تری دارند و بیشتر از مردها مشکلات پیش از طلاق را شناسایی می‌کنند. برای آن‌ها زمان طلاق عاطفی سال‌ها قبل از طلاق قانونی به وقوع می‌پیوندد. مردها غالباً از مشکلات زناشویی بی‌خبر هستند و ممکن است درخواست طلاق را به صورت یک شوک نگاه کنند. مرد از بحث و مذاکره با همسرش اجتناب می‌کند تا از تحریکات روانی که در نتیجه تعارض با همسرش حاصل می‌شود خود را حفظ نماید (به نقل از زارعی محمود آبادی، ۱۳۹۱). با توجه به اینکه طلاق و اختلاف زوجین با افسردگی و اعتماد به نفس با سازگاری زناشویی پایین، اختلال کارکردن‌گرشی، عاطفه منفی و اضطراب رابطه مستقیم و معناداری دارد و بین سازگاری زناشویی و خانواده اصلی با متغیرهای ذکر شده رابطه مستقیم و معنادار دارد و مبنای شناختی منبع تولید آن‌ها محسوب می‌شود. از جمله محدودیت‌های پژوهش استفاده از پرسشنامه خودگزارش دهی بود. پیشنهاد می‌شود در انجام پژوهش‌هایی این چنین علاوه بر پرسشنامه‌های خودسنجی از دیگر ابزار مثل مصاحبه و سنجش رفتار استفاده شود. با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود که به کمک افزایش آگاهی و استفاده بیشتر مردم از اطلاعات در مورد باورها بپردازند، پیشنهاد می‌شود علاوه بر بررسی رابطه بین متغیرهای پژوهش روابط علی مقایسه ای بین آنها نیز سنجیده شود.

### منابع

- احمدی، خدابخش. (۱۳۸۲). ساخت و اعتباریابی مقیاس حل مشکل خانواده. مجله پژوهش‌های مشاوره تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، ۶ (۲۴)، ۲۶-۷.
- اصغری، فرهاد؛ صادقی، عباس؛ زارع خاکدوست، سمیه و انتظاری، مرجان. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار با تعارض زناشویی و بی‌ثباتی زناشویی در بین زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی. نشریه آسیب شناسی، مشاوره و غنی سازی خانواده، ۱ (۳)، ۴۶-۳۰.
- خجسته مهر، رضا؛ شیرالی نیا، خدیجه و عطاری، یوسف علی. (۱۳۸۷). تاثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی بر الگوهای ارتباطی و احساسات مثبت نسبت به همسر در زوجین شهر اهواز. مجله پژوهش‌های مشاوره، ۲۷ (۱۶)، ۹۶-۸۱.
- زارعی محمودآبادی، حسن. (۱۳۹۱). اثربخشی بازآموزی سبک‌های اسنادی بر بهبود ابعاد عملکرد خانواده زوجین متقاضی طلاق. مشاوره و روان درمانی خانواده، ۴ (۳)، ۳۸۷-۳۶۷.
- شکوهی یکتا، محسن؛ اکبری زردخانه، سعید و محمودی، مریم. (۱۳۹۴). آموزش شیوه تعامل مبتنی بر حل مساله و اثر آن بر سبک‌های تربیتی والدین و حل مشکل در خانواده. فصلنامه علوم روانشناختی، ۵۵ (۱۱)، ۳۷۳-۳۵۶.
- عبادت پور، بهناز. (۱۳۷۹). هنجاریابی پرسشنامه الگوهای ارتباطی زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تربیت معلم.
- قاسمی، سیمین؛ اعتمادی، عذرا و احمدی، سیداحمد. (۱۳۹۴). رابطه تعاملات منفی بین زوجین و خانواده همسر با صمیمیت زوجین و تعارضات زناشویی در زنان. نشریه آسیب شناسی، مشاوره و غنی سازی خانواده، ۱ (۳)، ۳۱-۱۴.
- مام صالحی، حسین؛ مرادی، امید؛ عارفی، مختار و یاراحمدی، یحیی. (۱۳۹۸). بررسی رابطه طرحواره‌های جنسی و رضایت جنسی زوجین: نقش واسطه ای الگوهای ارتباطی. فصلنامه سلامت و مراقبت، ۲۱

(۳)، ۵۱-۸۱.

متین، حسین و حیاتی، مژگان. (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش گروهی ایماگوتراپی بر مکانیزم‌های دفاعی و حل مشکل زنان. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی، ۳۲ (۱۲)، ۶۳-۸۷.

میکائیلی، نیلوفر؛ رحیمی، سعید و صداقت، مهرناز. (۱۳۹۷). نقش الگوهای ارتباطی خانواده، ساختار انگیزشی و انعطاف پذیری روان شناختی در پیش بینی طلاق هیجانی زوجین. نشریه آسیب شناسی، مشاوره و غنی سازی خانواده، ۷ (۱)، ۱-۱۶.

- Akbari, B. (2017). The relationship among family socioeconomic status, learning strategies and mathematic problem solving ability among students. *Research in Curriculum Planning*, 1(25), 101-130.
- Bernardino, R., & Paia, A. (2018). Solving the family traveling salesman problem. *European Journal of Operational Research*, 267(2), 453-466.
- Chan, K. K. S., & Leung, D. C. K. (2020). The impact of child autistic symptoms on parental marital relationship: Parenting and coparenting processes as mediating mechanisms. *Autism Research*, 13(9), 1516-1526.
- Cheng, H. Y., Chair, S. Y., & Chau, J. P. C. (2018). Effectiveness of a strength-oriented psychoeducation on caregiving competence, problem-solving abilities, psychosocial outcomes and physical health among family caregiver of stroke survivors: A randomised controlled trial. *International Journal of Nursing Studies*, 87, 84-93.
- Cośta, C. B. D., & Mosmann, C. P. (2020). Aspects of the marital relationship that characterize secure and insecure attachment in men and women. *Estudos de Psicologia (Campinas)*, 37.
- Crapo, J. S. (2020). Family Development and the Marital Relationship as a Developmental Process.
- Delatorre, M. Z., & Wagner, A. (2019). How do couples disagree? An analysis of conflict resolution profiles and the quality of romantic relationships. *Revista Colombiana de Psicología*, 28(2), 91-108.
- Fisher, A. P. (2020). *The relation between therapeutic processes and outcomes in Online Family Problem-Solving Therapy for pediatric traumatic brain injury* (Doctoral dissertation, University of Cincinnati).
- Hanson, T. A., & Olson, P. M. (2018). Financial literacy and family communication patterns. *Journal of Behavioral and Experimental Finance*, 19, 64-71.
- Holth, A. (2017). Family Problem-Solving and its Relationship to Adolescent Risk-Taking Behavior.
- Janning, M., Gao, W., & Snyder, E. (2018). Constructing shared "space": Meaningfulness in long-distance romantic relationship communication formats. *Journal of Family Issues*, 39(5), 1281-1303.
- Pasch, L. A., & Sullivan, K. T. (2017). Stress and coping in couples facing infertility. *Current opinion in psychology*, 13, 131-135.
- Peng, R. Z., & Wu, W. P. (2019). Measuring communication patterns and intercultural

- transformation of international students in cross-cultural adaptation. *International Journal of Intercultural Relations*, 70, 78-88.
- Tao, Q., & Zhang, J. (2019). Problem-Solving Based Intervention for Informal Caregivers: A Scoping Review. *Open Journal of Nursing*, 9(9), 951-971.
- Ussher, J. M., & Perz, J. (2017). Evaluation of the relative efficacy of a couple cognitive-behaviour therapy (CBT) for Premenstrual Disorders (PMDs), in comparison to one-to-one CBT and a wait list control: A randomized controlled trial. *PloS one*, 12(4), e0175068.
- Uzunçakmak, T., & Yilmaz, F. A. (2020). Determination of Dyadic Adjustment, Happiness and Related Factors in Married Turkish Women Living in Anatolia. *Journal of religion and health*, 1-15.
- Yeon, E. M., & Choi, H. S. (2020). Trajectories of Mothers' Perceived Marital Conflict and its Relationship to Depression and Children' School Readiness, Self-esteem, and Happiness. *Journal of the Korea Academia-Industrial cooperation Society*, 21(5), 344-352.

## Comparison of Communication Patterns of Couples and Problem Solving in the Family among Married Seminary and University Male Students

<sup>1</sup>J. Alehabib

<sup>2\*</sup>D. Moeinan

<sup>3</sup>M. Anasseri

### Abstract

The present study aims to compare the communication patterns of couples and problem solving in the family among married seminary and university male students. The research method was causal-comparative. In order to achieve the research objectives, all married male seminary and university students in Qom were selected from a sample of 120 people (60 married male seminary students and 60 married male university students) by simple random sampling method. Couples' communication model questionnaires (Christensen & Salawi, 1984) and family problem solving (Ahmadi, 2003) were used to collect data. The reliability of the questionnaire was calculated using Cronbach's alpha method, the value of which was higher than 0.7 for both questionnaires. Content validity was also used to test the validity of the questionnaire, for which the questionnaires were approved by relevant experts. Analysis of data obtained from the questionnaires was performed through SPSS-V24 software in two descriptive and inferential sections (multivariate and univariate analysis of variance tests). The results showed that there was no significant difference between the couple's communication pattern and its components (constructive relationship, female withdrawal relationship, expected female / retired male scale and avoidance relationship scale) among married seminary and university male students. The results also showed that there was no significant difference between solving the family problem among married seminary and university male students.

**Keywords:** communication patterns of couples, problem solving in the family, married male seminary students

---

1. Master of Clinical Psychology, Ashtian Branch, Islamic Azad University, Ashtian, Iran (ja.habib313@gmail.com)

2. Faculty member, Ashtian Branch, Islamic Azad University, Ashtian, Iran (davoodmoeinan8@gmail.com) (Corresponding Author)

3. Faculty member, PhD in Psychology, Ashtian Branch, Islamic Azad University, Ashtian, Iran (dr.m.anasseri@gmail.com)